

محبت بزرگترین عطا (اول قرن‌تیاں ۱۳)



اگر به زبانهای آدمیان و فرشتگان سخن گویم، ولی محبت نداشته باشم، زنگی پرصدا و سنجی پرهیاهو بیش نیستم. اگر قدرت نبوت داشته باشم و بتوانم جمله اسرار و معارف را درک کنم، و اگر چنان ایمانی داشته باشم که بتوانم کوهها را جابه‌جا کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچم. اگر همه دارایی خود را بین فقیران تقسیم کنم و تن خویش به شعله‌های آتش بسپارم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم.

محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و

کینه به دل نمی‌گیرد؛ محبت از بدی مسرور نمی‌شود، اما با حقیقت شادی می‌کند. محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند.

محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد. زیرا معرفت ما جزئی است و نبوتمان نیز جزئی؛ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت. آنگاه که کودکی بیش نبودم، چون کودکان سخن می‌گفتم و چون کودکان می‌اندیشیدم و نیز چون کودکان استدلال می‌کردم. اما چون مرد شدم، رفتارهای کودکانه را ترک گفتم. آنچه اکنون می‌بینیم، چون تصویری محو است در آینه؛ اما زمانی خواهد رسید که روبه‌رو خواهیم دید. اکنون شناخت من جزئی است؛ اما زمانی فراخواهد رسید که به کمال خواهیم شناخت، چنانکه به کمال نیز شناخته شده‌ام.

و حال، این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است.

کتاب مقدس کتاب محبت نامیده می‌شود. چون در آن خدا ما را محبت می‌نماید. کلام خدا می‌گوید "او جهان را آنقدر محبت نمود که فرزندش را داد تا جهان را نجات دهد" (یوحنا ۱۶:۳) و این محبتش را در عمل مرگ مسیح ثابت کرد (رومیان ۸:۵) ما هم خوانده شده ایم که خدا و انسانها را محبت کنیم. دنیا می‌گوید: Love is god اما مسیحیت می‌گوید God is love.

خیلی جالب است که مسیح بزرگترین حکم اول و بزرگترین حکم دوم را به محبت اختصاص داد (متی ۲۲ آیات ۳۶ تا ۴۰) و آنها را مثلا به ایمان، تقدس، دانش و خدمت مربوط ساخت. حکم اول "محبت به خدا با تمام جان و فکر و دل و قوت" حکم دوم "محبت به دیگران به اندازه خودمان." و مسیح گفت بزرگتر از ایندو چیزی نیست. محبت تکمیل شریعت است (محبت ۱۰:۱۳). محبت مهمترین نیاز مردم دنیا می‌باشد. محبت ملاک زندگی مسیحی است (یوحنا ۱۳ آیات ۳۴ و ۳۵) و به قول آگوستین قدیس "محبت داشته باش و هر کاری می‌خواهی بکن." چون با محبت، ما دیگر قوانین خدا را هم احترام و اطاعت خواهیم نمود.

بخش اصلی:

۱- محبت و عطای زبانها:

اگر ما عطای زبانها (به زبان فرشتگان و یا زبان نآموخته) را داشته باشیم و یا فن سخن وری عالی داشته باشیم ولی بدون محبت تنها سر و صدا راه انداخته ایم. بدون محبت (به خدا و انسانها) این عطا باعث برکت نمی گردد و حتی باعث لغزش خواهد بود! بدون محبت این عطایا خدا را جلال نمی دهد! خیلی جالب است که بدانید نه موسی، نه پولس و نه پطرس سخنوران خوبی نبودند ولی چون محبت داشتند باعث نجات مردم و جلال نام خداوند گشتند. مادر ترزا هم عطای زبانها نداشتند ولی بیش از خیلیها که تنها با عطایا سرگرمند برای خدا ثمر آورند.

۲- محبت و علم، ایمان و نبوت:

بینید محبت چقدر بزرگ است که این عطایای عالی و آسمانی بدون محبت هیچ هستند. نبوت به این معنا است که خدا با شخصی صحبت می کند، امروزه نبوت به معنای آوردن پیامی نو که در کتاب مقدس آشکار نشده نمی تواند باشد (مکاشفه ۲۲:۱۸- غلاطیان ۱:۹)، ولی می تواند بصورت تشویق و بنا و نصیحت ایمانداران (اول قرنیهان ۱۴:۳) باشد.

عطای علم کسانی دارند که چیزهای مخفی را خدا به آنها مکشوف کرده است و عطایای عالی ایمان که می تواند غیر ممکنها را به فیض خدا ممکن سازد ولی همه اینها بدون محبت هیچند.

امروز دنیا واعظینی خوب، قهرمانان ایمان و شفا دهندگان زیادی دارد ولی نیاز امروز افراد دنیا محبت شدن است. کلیسا مخالف عطایا نیست، ولی می خواهد اهمیت محبت را بدانیم و عطایایمان را با محبت بکار ببریم، چون در غیر اینصورت حتی می تواند مضر و باعث جدایی کلیساها و تفرقه بین ایماندارن گردد.

شاید پرسید آیا خدا چنین عطایای عظیمی را به کسی که محبت ندارد می دهد؟ به نظر من "نه" نمی دهد.

ولی باید مواظب بود که بعد از داشتن عطایا محبت اولیه خود را (مکاشفه ۲:۴) از دست ندهیم!

۳- محبت و کارهای خیرخواهانه و شهادت:

محبت از کارهای خیرخواهانه^۲، بشارت و شهید شدن در راه خدا مهمتر است! گرچند که بدون محبت واقعی نمی توان این کارها را کرد، ولی ما متأسفانه گاهی بعلت جلال خودمان به دیگران کمک می کنیم و گاهی برای رقابت با دیگران و از روی حسادت بشارت می دهیم (فیلیپیان ۱:۱۵).

مسیح گفت هر موقع خواستی مهمانی دهی شلان و مریضان و ذیلان را دعوت کن (لوقا ۱۴:۱۳) چون آنها نمی توانند آنها جبران کنند. محبت واقعی این است. محبت واقعی آن است که فرانچسکو^۳ نشان داد که با اینکه ثروتمند بود برای خدمت بین جذامی ها رفت.

شهیدان نزد خدا جایگاهی عالی دارند (مزمور ۱۱۶:۱۵- اعمال ۷:۵۶)، این حقیقتی کتاب مقدسی است ولی محبت از شهادت هم بالاتر است.

^۲ راهب (کشیشانی که ازدواج نمی کنند و می توانند به اسقفی برسند) واغیناک می گوید: "مردم بدون داشتن عیسی هم می توانند کارهای خیرخواهانه بکنند ولی ایماندارنی که مسیح را دارند نمی توانند کارهای خیرخواهانه نکنند"

^۳ Francis of Assisi: فرانسویس آسیزیایی از مشهورترین قدیسان مسیحی است (۱۱۸۲-۱۲۲۶)

محبت بالا تر از اطلاعات و دانش مذهبی است ، ما گاهی کلیسا می آییم و تنها چیزهای جدید یاد می گیریم ، ولی ما خوانده شده ایم که در محبت رشد کنیم.
محبت ملاک شاگردی است. مسیحی خوب کسی است که پر از محبت نسبت به خدا ، ایمانداران و حتی گناهکاران ، بی ایمانان و دشمنانش است.

۴- محبت و صبر:

محبت صبور است . اگر به زندگی مردان خدا در کتاب مقدس نگاهی بیاندازیم می بینیم که اکثر آنها افراد صبور بودند.

نوح سالها در موعظه و ساخت کشتی (احتمالا ۱۲۰سال) در حالیکه احتمالا مسخره می شد صبر کرد.

ابراهیم برای تولد پسرش اسحاق ۲۵ سال صبر کرد.

یعقوب برای ازدواج با دختر مورد علاقه اش ۱۴ سال صبر کرد.

یوسف ۱۲ سال صبر کرد تا تحقق رویاهایش را دید.

داود سالها صبر کرد تا پادشاه شد.

ایوب در مشکلات و مصیبت صبر کرد.

شاگردان برای پری روح القدس ۱۰ روز صبر کردند.

رسولان در جفاها صبر کردند .

اگر بخواهیم به محبت خود نمره دهیم به صبر خود چه نمره ای می دهیم ؟ اگر خود را آدم پر محبتی می دانیم ، آیا صبور هستیم؟! از خداوند بخواهیم که صبر و محبت خود را به ما بدهد.

۵- محبت و مهربانی:

مهربانی از ثمرات روح است (غلاطیان ۵:۲۲) و شخص پر محبت مهربانی را نه در کلام فقط بلکه در قلب و اعمال خود نشان می دهد.

مهربان کسی است که به نیازهای اطراف خود حساس است و هر کاری را برای خدمت به دیگران انجام می دهد.

مهربان کسی است که دیگران از معاشرت با او احساس لذت می کنند.

مهربان کسی است که مردم را درخت نمی بیند (مرقس ۸:۲۴) بلکه انسان نیازمند محبت و مهربانی.

۶- محبت و حسادت:

محبت حسادت نمی کند. علت حسادت این است که ما می خواهیم بهترین باشیم و خودمان جلال یابیم (یوحنا ۷:۱۸) که با محبت سازگار نیست. محبت از پیشرفت دیگران ، از رشد و از خدمت دیگران ناراحت نمی شود .

خواست خدا این است که ما پیشرفت کنیم و در خداوند رشد کنیم ولی باید باعث پیشرفت دیگران هم گردیم نه مانع پیشرفت آنها ! این یعنی با محبت رفتار کردن.

عکس العمل یحیی تعمیدهنده چقدر فروتنانه و پر از محبت بود ، وقتی به او گفتند : "همه نزد عیسی می روند" . او گفت : "او باید بزرگتر شود و من کوچکتر" (یوحنا ۳:۲۰)

هر موقع در زندگیمان ما هم به کنار برویم و عیسی نمایان گردد بدانیم که با محبت عمل نموده ایم.

شخص حسود در اجرای ۲ دستور زیر ناتوان است:

" خوشی کنید با خوشحالیان " (رومیان ۱۵:۱۲)

" و اگر يك عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند. " (اول قرنتیان ۱۲:۲۶)

لازم نیست به کسی حسادت کنیم چون هر آنچه که بخواهیم خدای ما حاضر است سخاوتمندانه به ما بدهد ، پس آنجا که محبت است جایی برای حسادت نیست.

لازم نیست به کسی حسادت کنیم ، چون همه ما نقشی منحصر بفرد در بدن مسیح داریم ، پس ناراحت نباشید هیچ کس نمی تواند تا زمانیکه شما وفادارانه برای خدا زندگی می کنید ، خدمت شما را برابرد!

۷- محبت و غرور:

در محبت غرور نیست ، آدم مغرور فقط به فکر خودش است . او فکر می کند مرکز و محور جهان است و خدا ، فرشتگان ، کلیساها و شبانان همه دور او می چرخند!

ما گاهی آنقدر مغروریم که فکر می کنیم بدون ما دنیا نمی چرخد و کلیسا لنگ می ماند ! بیاید از این دروغهای شیطان دست برداریم و از غرورمان توبه کنیم.

آدم مغرور فکر می کند بدون او کارها جلو نمی رود!

او نظر ، کمک و همکاری و دعا و مشورت هیچکس را نمی پذیرد. آدم مغرور نصیحت پذیر نیست و نصیحت ناپذیری خیلی زیاد به یک مسیحی و خادم ضربه می زند.

فراموش نکنیم که شیطان بعثت غرور افتاد و پدران کلیسا می گویند : "چون شیطان فروتنی و محبت ندارد ، بهترین راه مبارزه با او فروتنی و محبت است"

البته اعتماد به خود داشتن بر اساس معیارهای کلام خدا خوب است ولی باید بدانیم که خیلی چیزها در دست خداوند است و اگر او اراده کند ما شاید نفسمان بند بیاید (اشعیا ۲:۲۲) و بمیریم ، پس در حضور خدای عظیم فروتن شویم .

کسی که محبت دارد دلیلی برای فخر کردن ندارد او تنها دلیلی برای محبت کردن دارد. مثل پولس که خود را مدیون همه برای محبت کردن می بیند. (رومیان ۸:۱۲)

۸- محبت و رفتار ناشایست:

محبت رفتارهای ناشایست و سبک انجام نمی دهد. منظورم همه آن رفتارهای است که شایسته نام مسیحی نیست و باعث لغزش مردم می گردد . خیلی از جوانان باهم رفتارهای ناشایست انجام می دهند و آن را عشق می نامند ولی در محبت^۴ رفتار ناشایست وجود ندارد . لباسهای نامناسب ، دوستیهای کنترل نشده ، اعتیاد و مستی ، مسخره کردن دیگران و خیلی موارد دیگر جزو موارد رفتارهای ناشایست می باشد.

۹- محبت و نفع شخصی:

^۴ در کتاب مقدس ۳ کلمه برای محبت و دوست داشتن و عشق استفاده شده است که عبارتند از: آگپه (agape): عشق الهی - عشق فداکارانه و از خودگذشته. عشق نوعدستانه (تمایل انجام دادن کاری برای دیگران بدون چشمداشت) - عشق گرانقدر (محبت خدا به ما که در صلیب عیسی مسیح آشکار گشت و بالاترین سطح عشق می باشد) فیلو (philo): عشق برادرانه - عشقی که مبتنی بر پیوند مشترک می باشد - عشقی که بر پایه وحدت و همکاری بوده و هدف آن دستیابی به منافع مشترک می باشد.

اروس (eros): عشق شهوانی - عشق به زیبایی - فاقد منطق - عشق فیزیکی که بواسطه جذابیت و کشش های جسمانی و یا ابراز آن بطور فیزیکی نمایان می گردد - همان عشق در نگاه اول - با شدت آغاز شده و بسرعت فروکش میکند. (در عهد جدید هیچ صحبتی از آن نشده است و پائینترین سطح عشق می باشد)

یک شخص روحانی گفته است: "محبت زمانی آغاز می شود که نیاز یک هممنوع مهمتر از نیاز من می گردد."

کسی که محبت دارد در پی منافع شخصی نیست بلکه او به فکر دیگران است . او به فکر نجات گناهکاران ، حل شدن مشکلات مردم و رشد ایمانداران است ، او به فکر فقیران و محتاجان و انسانهای طرد شده است و خدا حاضر است به چنین کسانی که برای مردم "بار" دارند (دوم قرنتیان ۱۱:۲۸) تمام ابزارهای لازم برای خدمت را دهد و درهای خدمت را باز کند.

۱۰- محبت و خشم:

ما اغلب عصبانی می شویم چون به فکر خود هستیم . کلام خدا در باب ۱ یعقوب آیه ۱۹ می گوید "در خشم سست باشید ، زیرا خشم انسان عدالت خدا را انجام نمی دهد."

مسیح خداوند با وجود اینکه او را مضروب ساخته و مصلوب کردند ولی در او خشم و عصبانیتی وجود نداشت (اعمال ۸:۲۲) ، بلکه او پر از محبت بود و حتی دعا کرد که خدا آنها را ببخشد ، همین رویه در مورد استیفا ن نخستین شهید مسیحی نیز صدق می کند (اعمال ۷:۶۰).

اگر می خواهید بر عصبانیت و خشم خود غلبه کنید بر محبت خود بیافزایید. با "به خدا نزدیک شدن" ما هم مثل او پر محبت می گردیم.

۱۱- محبت و کینه، انتقام و افکار بد:

مسیح گفت: "اگر می خواهید وارد ملکوت خدا گردید باید مثل بچه ها شوید" (متی ۱۹:۱۴) بچه ها زود می بخشد ، زود فراموش می کنند ، زود اعتماد می کنند ، کینه ای و عقده ای و به فکر انتقام نیستند. محبت باعث می شود ما هم اینچنین عملکردی داشته باشیم.

محبت باعث می شود بدیهای دیگران را زود فراموش کنیم و در قلب و فکرمان چیزی نگه نداریم. یوسف که برادرانش را بخشید و داود که شائول را بخشید و انتقام نگرفت ، نمونه های از محبت برای ما هستند. از خداوند بخواهیم قلبهای ما را از کینه و انتقام شفا دهد و ما را برای زخمهایمان تسلی دهد.

شخص زخمی فقط دیگران را زخمی می کند و این باعث می شود همه همدیگر را زخمی کنند ، پس ما اگر زخمی هستیم ، بجای زخمی کردن دیگران اجازه دیهم خدا زخم ما را شفا دهد.

۱۲- محبت و ناراستی:

محبت از اخبار و رویدادهای بد حتی برای دشمنانش شاد نمی شود. محبت هیچ گاه اسرار دیگران را فاش نمی کند (امثال ۲۵:۹) ، محبت از غیبت کردن و خوار کردن دیگران لذت نمی برد . ناراستی آن خصوصیتی نیست که پدر ما وقتی از آسمان نگاه می کند ، می خواهد آنها را ببیند. محبت با ناراستی و نا عدالتی ارتباطی ندارد.

۱۳- محبت و راستی:

محبت از راستی ، از گسترش پیغام راستی که همان پیغام انجیل است ، از بیروزیهای خدا و از جلال یافتن خدا و برقراری عدالت خدا خوشحال می شود. در محبت از دروغ ، حقه بازی و کلک و پیچاندن و تحریف حقیقت و زیراب زدن و ... خبری نیست . در محبت راستی است. محبت بر حقیقت ، عدالت و نور تاکید دارد و دروغ ، ظلم و تاریکی را رد می کند.

۱۴- محبت و مدارا کردن:

محبت با همه مدارا می کند ، محبت از مردم مخصوصا محتاجین و مردم بدبخت حمایت می کند ، اگر قادر به تحمل دیگران نیستیم ، احتیاج داریم در محبت بیشتر رشد کنیم . کسی که محبت دارد باعث ناراحتی هیچ کس نمی شود و از حضور دیگران ناراحت نمی شود.^۵

۱۵- محبت و ایمان:

محبت به مردم اعتماد می کند ، محبت خوش بین و واقع بین است. یک مسیحی نیز باید خوش بین و واقع بین باشد. محبت به خدا شک نمی کند و به سادگی وعده های خدا را مانند کودکان می پذیرد و با سادگی به دیگران خدمت می کند.

۱۶- محبت و امید:

محبت با امید ، به آینده می نگرد ، کسی که محبت دارد دارای روح تشویق کننده است . او خوبیهای دیگران را تشخیص داده و به آنها امید می بخشد. محبت باعث می شود امید عوض شدن بدترین افراد به بهترین مقدسین ، بدترین شرایط و مشکلات و بیماریها به متبارک ترین شرایط وجود داشته باشد.

کلام خدا می گوید "سه چیز مهم است ایمان ، امید و محبت ولی مهمترین آنها محبت است." مسیح می گوید "فرمانی تازه به شما می دهم "همدیگر را محبت کنید آنگونه که من شما را محبت نمودم." (یوحنا ۱۳:۲۴) و از محبت ما دنیا می فهمد که ما شاگردان مسیح هستیم.

خدا خدای محبت است و از ما محبت و رحمت می خواهد نه قربانی ها^۶. خدمت با محبت نتیجه بخش ترین و لازم ترین نوع خدمت در این دنیا است. (جامعه ۱۰:۱۰)

خدا محبت است و ما نیز بعنوان فرزندان این خدا باید پر از محبت باشیم. خدا ما را با محبتش نجات داد و از ما انتظار محبت دارد. محبت باید قانون زندگی ما باشد. دنیا محتاج محبت است.

حال یاد گرفتیم که باید محبت کنم و محبت بزرگترین خواسته خدا است و اینکه فهمیدیم که چقدر در محبت ضعیف عمل کرده ایم و محبت ما چقدر با معیارهای محبت الهی فاصله دارد، چگونه این محبت را بدست آورم ؟

"ما با نزدیک شدن به خدای محبت و مشارکت با او ، متبدل شده و به شباهت او در می آئیم و ما نیز پر از محبت می گردیم."

در این پایان ضمن توبه از تمام گناهانمان که بخاطر کمبود محبت انجام داده ایم از روح القدس بخواهیم ما را از محبت الهی پر سازد.

به امید اینکه نه فقط " در مورد محبت " بیاموزیم بلکه "خود محبت" را بیاموزیم.

^۵ بعضی مردم واقعا غیر قابل تحمل و پلید و پست می باشند ولی نباید فراموش کنیم که همه انسانها به صورت خدا آفریده شده اند، ما باید بدانیم که آنها اسیر شیطان هستند و در صورت آزادی و توبه تغییر خواهند کرد. ما هم شاید ندانسته و نخواستیم به خیلیها ضربه زده باشیم ، پس همیطور که از خدا و دیگران انتظار بخشش داریم ، ما هم دیگران را ببخشیم . مطمئن باشیم خدا عادل است (دوم تیموتائوس ۸: ۴) و عدالت را یگروز برقرار خواهد ساخت.

^۶ هوشع ۶: ۶ زیرا که رحمت را پسند کردم و نه قربانی را، و معرفت خدا را بیشتر از قربانی های سوختنی. متی ۹: ۱۳ لکن رفته، این را دریافت کنید که "رحمت می خواهم نه قربانی"، زیرا نیامده ام تا عدلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» متی ۱۲: ۷ و اگر این معنی را درک می کردید که رحمت می خواهم نه قربانی، بی گناهان را مذمت نمی نمودید.